

## پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی

رضا فرخ‌شاهی نیا<sup>۱</sup>

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

### چکیده

مسئولیت اجتماعی شرکتی نمایان‌گر تعهد مدیران شرکت‌ها، کارخانه‌ها و کسب و کارها به اقدامات داوطلبانه‌ای است که بهره عمومی را به همراه دارد. هدف این پژوهش بررسی پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی - استانی بود. این پژوهش از دید هدف کاربردی، از نگاه ماهیت کیفی و از دیدگاه مسیر اجرا نظریه داده‌بنیاد با رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین است. نمونه آماری پژوهش جمعی از مدیران و کارکنان سازمان‌های حمایتی، استادان و پژوهشگران دانشگاهی و همچنین مدیران و کارکنان شرکت‌ها، کارخانه‌ها و کسب و کارها بودند که به صورت نمونه‌گیری هدفمند / قضاوتی انتخاب شدند. نتایج بررسی داده‌های دست اول در سه مرحله گوناگون، اما به هم پیوسته، از راه شناسه‌گذاری باز، شناسه‌گذاری محوری و شناسه‌گذاری انتخابی نشان داد که شش مقوله تعالی سازمانی، توانمندشدن افراد تحت پوشش، تقویت مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی - اجتماعی و بقای شرکت‌ها و کارخانه‌ها بخشی از پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی - استانی است. از این رو، شناخت پیامدهای مشخص شده می‌تواند، ضمن ترسیم وضعیت مطلوب سازمان‌های حمایتی پس از تمرکززدایی، درک عمیق‌تری را نسبت به اهمیت تنظیم‌گری روابط بین ذی‌نفعان سازمان‌های حمایتی ایران بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای حکمرانی متعالی در ایجاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی ایجاد کند.

**واژگان کلیدی:** تمرکززدایی، تنظیم‌گری، حکمرانی استانی، سازمان‌های حمایتی ایران، مسئولیت اجتماعی شرکتی.

## مقدمه

امروزه راهبردهای اجتماعی مانند مسئولیت اجتماعی شرکتی<sup>۱</sup> به طور فعال وارد کسب و کارها شده و توانسته است ضمن کمک به سازمان‌ها در رسیدن به اهداف سازمانی، به بهبود وضعیت جهان کمک کند (دیو و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). منظور از مسئولیت اجتماعی شرکتی تعهد مدیران، سیاست-گذاران و برنامه‌ریزان آنها به اقدامات داوطلبانه‌ای است که می‌تواند علاوه بر تأمین منافع سازمانی، سبب رفاه جامعه و تأمین نیازهای نیازمندان شود. تمرکززدایی فرایند انتقال بخشی از قدرت سیاسی، ظرفیت تصمیم‌گیری و مدیریت منابع به مقامات و سازمان‌های محلی و منطقه‌ای است (شمس، ۱۳۹۰: ۸ به نقل از علی‌مرادی، ۱۳۹۸: ۶۳) که سبب افزایش حس همکاری میان مردم محلی، افزایش رقابت میان دولت‌های محلی و کاهش ناکارآمدی دولت‌ها می‌شود (سامتی و همکاران، ۱۳۹۳). در تأیید این مطلب اطاعت و موسوی (۱۴۰۰) معتقد هستند کوچک‌سازی دولت و واگذاری کارها به مردم و حکومت‌های محلی مهم‌ترین اقدام برای خروج از ناکارآمدی است. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد سیاست‌های تمرکززدایی که یکی از اقدامات مؤثر در توسعه کشورها است، در سطح استان‌های ایران موفقیت‌آمیز نبوده است (علی‌مرادی، ۱۳۹۸) و در ایفای نقش مسئولیت شرکتی نیز فقط تعداد محدودی از مترقی‌ترین و بزرگ‌ترین شرکت‌ها به مسئولیت اجتماعی شرکتی توجه کرده‌اند (بارنوا و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱) که این به معنی نفی تمرکززدایی و بی‌توجهی به خودکفایی استانی است.

از سوی دیگر، بررسی‌ها نشان می‌دهد بسیاری از سازمان‌های غیر دولتی و مراکز اجتماعی عام‌المنفعه و غیر انتفاعی که بخشی از مدیریت عمومی کشور است، دچار چالش‌های جدی در پایداری و تأمین منابع مالی، انسانی و سازمانی خود شده است (رازقی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۷) که به نظر می‌رسد استفاده از تمرکززدایی می‌تواند به عنوان ابزاری برای کارآمدتر کردن سیاست‌های بخش عمومی، بخشی از این مشکلات را حل کند (سامتی و همکاران، ۱۳۹۳). به علاوه، دستیابی به توسعه اجتماعی مطلوب و تحقق رفاه نسبی در مناطق کمتر توسعه یافته استان‌ها، مستلزم بازنگری در وضعیت کنونی سرمایه‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی برای افزایش کمی و کیفی منابع، به‌کارگیری ظرفیت‌های جدید مانند مسئولیت اجتماعی شرکتی است (زارعی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین

1. Corporate social responsibility (CSR)
2. Du at al.
3. Baranova at al.

ایفای مسئولیت اجتماعی شرکتی، به‌عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی خارجی سازمان‌های حمایتی، در تأمین مالی واقعی انکارناپذیر است. لیاو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در این زمینه می‌گویند: برای بهبود عملکرد تأمین مالی جمعی طرفداران، به‌ویژه حامیان طرح‌های انتفاعی، باید به‌خوبی از سازوکارهای ساخت سرمایه اجتماعی در تأمین مالی جمعی استفاده کرد؛ لذا مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌تواند علاوه بر افزایش اعتماد عمومی جامعه و تأمین منابع مالی برنامه‌های عملیاتی سازمان‌های حمایت اجتماعی به کاهش هزینه‌های مدیریتی و صرفه‌جویی در زمان و منابع نیز کمک کند و سرانجام سبب ایجاد برنامه تأمین مالی پایدار به‌منظور نیازهای افراد تحت پوشش از محل منابع ذی‌نفعان خارجی شود. از این‌رو، سازمان‌های حمایتی با استفاده از تمرکززدایی می‌توانند حمایت‌های کسب و کارها، شرکت‌ها و کارخانه‌ها را برای افزایش سرمایه‌های اجتماعی خارجی و تأمین نیازهای افراد تحت پوشش خود بیشتر کنند، تا سریع‌تر، دقیق‌تر و کامل‌تر به مأموریت‌ها و اهداف خود دست پیدا کنند.

باتوجه به دانش ما و مرور پیشینه پژوهش به‌نظر می‌رسد چنین مطالعه‌ای در ایران و در سازمان‌های حمایتی انجام نشده است و اگر مفهوم تمرکززدایی نیز مورد مطالعه قرار گرفته است، الگوهای مطالعاتی آن بیشتر به بررسی تأثیر تمرکززدایی و ابعاد و مؤلفه‌های آن در سازمان‌های دولتی معطوف بوده است. به‌علاوه، اگرچه تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در تأمین مالی مؤسسات خیریه و سازمان‌های اجتماعی، سلامت جامعه، کارآفرینی اجتماعی و توسعه پایدار روستایی تأیید شده است، اما تاکنون پژوهش نظام‌یافته‌ای در بررسی استفاده از مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌عنوان یکی از راهکارهای مهم تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران در سطح استان‌ها انجام نشده است تا بتواند ضمن کمک به تشکیل جامعه مسئولیت‌پذیر، بخشی از منابع مورد نیاز آنها را تأمین کند. باتوجه به توضیحات، پرسش اینجاست که چارچوب مناسب برای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی - استانی چگونه است؟ عناصر تشکیل‌دهنده الگوی یادشده کدام است؟ پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی - استانی چیست؟ از این‌رو، این پژوهش با تأکید بر شناسایی پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی انجام می‌شود.

## مبانی نظری و پیشینه تجربی

1. Liao at al.

### مبانی نظری

**تمرکززدایی:** تمرکززدایی فرایند واگذاری سیاسی، مالی و اداری از حاکمیت، دولت مرکزی و سازمان‌های دولتی به سطح محلی است (ایسفاچ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴) که نقش مهمی در توسعه مردم‌سالاری و حکمرانی متعالی دارد؛ بنابراین تمرکززدایی ابزاری برای کارآمدتر کردن سیاست‌های بخش عمومی است (سامتی، ۱۳۹۸) که مزایایی همچون ایجاد نظام مردم‌سالار باثبات، افزایش اثربخشی و کارایی حکومت‌ها، آسان‌سازی ایجاد پایه‌های باثبات برای توسعه اقتصادی در سطوح ملی و محلی، شفافیت بیشتر در حکومت‌ها و مشارکت بیشتر شهروندان در تصمیم‌گیری را در بر دارد (علی-مرادی، ۱۳۹۸)؛ لذا تمرکززدایی بخش جدایی‌ناپذیر از ایجاد مردم‌سالاری جامعه مدرن است که سبب مشارکت بیشتر شرکت‌ها، کارخانه‌ها و کسب و کارها و سازمان‌های حمایتی با حاکمیت دولت مرکزی و سازمان‌های دولتی در تصمیم‌گیری‌ها، ساخت چشم‌انداز مشترک و همکاری دوسویه در دستیابی به اهداف سیاسی، مالی و اداری می‌شود.

**مسئولیت اجتماعی شرکتی<sup>۳</sup>:** بیشتر شرکت‌های آینده‌نگر در سراسر جهان، در راستای مسئولیت اخلاقی، برنامه‌های جامعی برای انجام فعالیت‌های خیرخواهانه خود دارند. این اقدام در چارچوب روابط شرکت و جامعه است و به‌عنوان گنجاندن داوطلبانه مسائل اجتماعی در فعالیت‌های تجاری و روابط با سهامداران، فراتر از آنچه در قانون الزامی شده است، بررسی می‌شود (بوکتا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸). از این رو، مسئولیت اجتماعی شرکتی - استانی تعهد مدیران، تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان شرکت‌ها، کسب و کارها و کارخانه‌های استان‌ها به اقدامات داوطلبانه‌ای است که علاوه بر تأمین منافع خود، سبب بهبود و رفاه جامعه می‌شوند؛ زیرا از منابع سرزمینی آن استان‌ها استفاده می‌کنند. از این رو، توجه شرکت‌ها و کسب و کارها به مسئولیت اجتماعی و تأمین نیازهای سازمان‌های حمایتی ایران نمایان‌کننده رویکرد اخلاقی و در نظر داشتن منافع و مصالح اجتماعی آنها است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۹).

**سازمان‌های حمایتی:** سازمان‌های حمایتی سازمان‌هایی عام‌المنفعه است که به‌جای منافع اعضا، برای منافع عمومی ایجاد شده است. سالامون<sup>۵</sup> معتقد است سازمان‌های عام‌المنفعه از پایه برای

- 
1. Decentralization
  2. Isufaj
  3. Corporate social responsibility (CSR)
  4. Buchta
  5. Salamon

خدمت به دیگران، ارائه کالاها یا خدمات (از جمله اطلاعات یا حمایت) به افراد نیازمند یا کمک به رفاه عمومی تشکیل شده است (اشمید<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). از سوی دیگر، سازمان‌های حمایتی سازمان‌هایی غیرانتفاعی است که برای بهره عمومی و اجتماعی تشکیل شده است. از این رو، سازمان‌های حمایتی مانند سازمان کمیته امداد و سازمان بهزیستی، به عنوان مراکز اجتماعی عام‌المنفعه و غیرانتفاعی، بخشی از مدیریت عمومی کشور ایران به‌شمار می‌رود که بر اقتصاد و رفاه مردم تأثیرگذار است.

### پیشینه تجربی

ذوالفقاری (۱۴۰۰) در بررسی تمرکززدایی و ارائه الگوی خدمات فقرزدایی بدون وابستگی در سازمان حمایتی کمیته امداد هفت مؤلفه را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر در این پژوهش معرفی کرد. این عوامل عبارت است از: ۱. گسترش روحیه نشاط در جامعه ۲. هم‌افزایی منابع موجود برای پیشرفت و رفاه اجتماعی ۳. کاهش آسیب‌های اجتماعی ۴. افزایش تعهد و وفاداری دینی و ملی ۵. افزایش امید به زندگی ۶. افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه ۷. جریان‌یافتن منابع مالی در راستای پیشرفت اقتصادی. دانایی فرد و همکاران (۱۳۹۹) در مضمون‌کاوی مسئولیت اجتماعی سازمان از دیدگاه آیات و روایات بیان کردند که مسئولیت اجتماعی از دیدگاه آیات و روایات در قالب شش مضمون اصلی مسئولیت قانونی، مدنی - اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی، فرهنگی - آموزشی و سیاسی بیان شده است. پژوهش علی‌مرادی (۱۳۹۸) در بررسی پیامدهای خودگردانی محلی استان‌های جمهوری اسلامی ایران نیز نشان داد که خودگردانی محلی استان‌ها در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی پیامدهای مثبت دارد. همچنین این اقدام سبب تضعیف تجزیه‌طلبی، کاهش فعالیت‌های تروریستی، جلوگیری از دخالت‌های خارجی و تقویت هویت ایرانی - اسلامی می‌شود. صنوبر و حیدریان (۱۳۹۱) نیز در شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در ایران نشان دادند که وجود فرایندهای سازمانی برای ارائه گزارش سالانه شرکت در مورد میزان مشارکت اجتماعی، توجه به حقوق ذی‌نفعان در کنار حقوق سهامداران و شفاف‌سازی عملکرد مالی - اقتصادی با متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی بیشترین ارتباط را دارد.

بارنوا و همکاران (۲۰۲۱) در بررسی توسعه مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌عنوان عاملی برای تمرکززدایی مالی از دولت‌های محلی بیان کردند که تمرکززدایی بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی تأثیر محرک، اما نه پایدار بر افزایش پایه مالی بودجه‌های محلی دارد. انس<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در ارائه الگویی برای جمع‌آوری کمک مالی در سازمان‌های اجتماعی، توسعه سرمایه اجتماعی برای تأمین مالی را مبتنی بر پنج مرحله ایدئولوژیک کردن، ایجاد اعتماد سازمانی، اجرا، بهره‌برداری و ارائه گزارش نهایی به اعضا عنوان کرد. گیوز و اوهیگینز<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) نیز در بررسی مسئولیت اجتماعی شرکت: راهی برای سود پایدار برای جامعه و شرکت در ایرلند بیان کردند که اگر شرکت‌ها فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی خود را به شیوه‌ای داوطلبانه و راهبردی دنبال کنند، می‌توانند هم خواسته‌های سهامداران و هم ذی‌نفعان را برآورده کنند.

### روش پژوهش

این پژوهش از دید هدف کاربردی، از نگاه ماهیت کیفی و از دید مسیر اجرا نظریه داده‌بنیاد با رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه داده‌بنیاد در سه مرحله شناسه‌گذاری باز، شناسه‌گذاری محوری و شناسه‌گذاری انتخابی برای شناسایی مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌ها صورت می‌گیرد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰). ابزارگردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه بود. مصاحبه، روش مهمی برای بررسی برداشت‌های برآمده از مشاهده و تصورات ذهنی مردم است که می‌تواند به پژوهشگر در دستیابی به احساسات، افکار، مقصودها، که به‌طور مستقیم قابل مشاهده نیست، کمک کند. نمونه آماری پژوهش جمعی از مدیران و کارکنان سازمان‌های حمایتی، استادان و پژوهشگران دانشگاهی و هم‌چنین مدیران و کارکنان شرکت‌ها، کارخانه‌ها و کسب و کارها بودند که به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند / قضاوتی انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری هدفمند در این پژوهش «نمونه‌گیری مبتنی بر معیار» است. در نمونه‌گیری مبتنی بر معیار، واحدهای نمونه ویژگی‌های برجسته‌ای دارد که به شناخت و درک دقیق از مسأله اصلی کمک می‌کند (ریتچ و لوئیس،<sup>۳</sup> ۲۰۰۳: ۱۲۸). در این پژوهش خبرگان بر اساس دو معیار «در دسترس بودن و پاسخگویی افراد» و هم‌چنین «کیفیت داده‌های برگرفته از ایشان در طول پژوهش میدانی»

- 
1. Anas
  2. Gyves & O'Higgins
  3. Ritchie & Lewis

مورد پایش قرار گرفتند که سرانجام در مصاحبه پانزدهم با خبرگان دارای شرایط، کفایت و اشباع نظری به دست آمد.

### یافته‌های پژوهش

در نظریه داده‌بنیاد، تجزیه و تحلیل داده‌ها طی سه مرحله شناسه‌گذاری باز، شناسه‌گذاری محوری و شناسه‌گذاری انتخابی انجام می‌شود که در ادامه به آن پرداخته می‌شود (استراوس و کوربین؛ ۱۳۹۰: ۵۷).

### شناسه‌گذاری باز

شناسه‌گذاری باز بخشی از تجزیه و تحلیل است که به مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی پدیده‌ها از راه بررسی دقیق داده‌ها می‌پردازد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۶۰).

فرایند شناسه‌گذاری باز - شناسایی شناسه‌های اولیه و مفهوم‌پردازی:

مفاهیم، پدیده‌هایی است که برای آنها نام مفهومی روشن انتخاب می‌شود. در واقع مفاهیم واحدهای اصلی است که با بررسی روابط بین پدیده‌ها به دست می‌آید.

فرایند شناسه‌گذاری باز - شناسایی مقوله‌های فرعی (مقوله‌پردازی):

مقوله‌ها، دومین عنصر نظریه داده‌بنیاد است که در مقایسه با مفاهیمی که بیانگر آن است، سطح مطلوب‌تری دارد و انتزاعی‌تر است.

فرایند شناسه‌گذاری محوری

بر اساس الگوی پارادایمی نظریه داده‌بنیاد، مقوله‌هایی که در مرحله قبل و با کمک شناسه‌گذاری باز شناسایی شد، به یکدیگر ارتباط داده می‌شود (دانایی‌فرد و اسلامی، ۱۳۹۰). در این مرحله مقوله‌های فرعی ذیل مقوله‌های اصلی قرار می‌گیرد و چارچوبی به‌عنوان پدیده محوری ارائه می‌شود که روابط میان مقوله‌های تولیدشده را ترسیم می‌کند. در این پژوهش پدیده محوری «تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی» است که مقوله‌های فرعی آن در ذیل پنج مقوله شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها شناسایی شد. افزون بر آن، روابط میان آنها در قالب چارچوب کلی مطابق شکل شماره ۱ ترسیم شد.

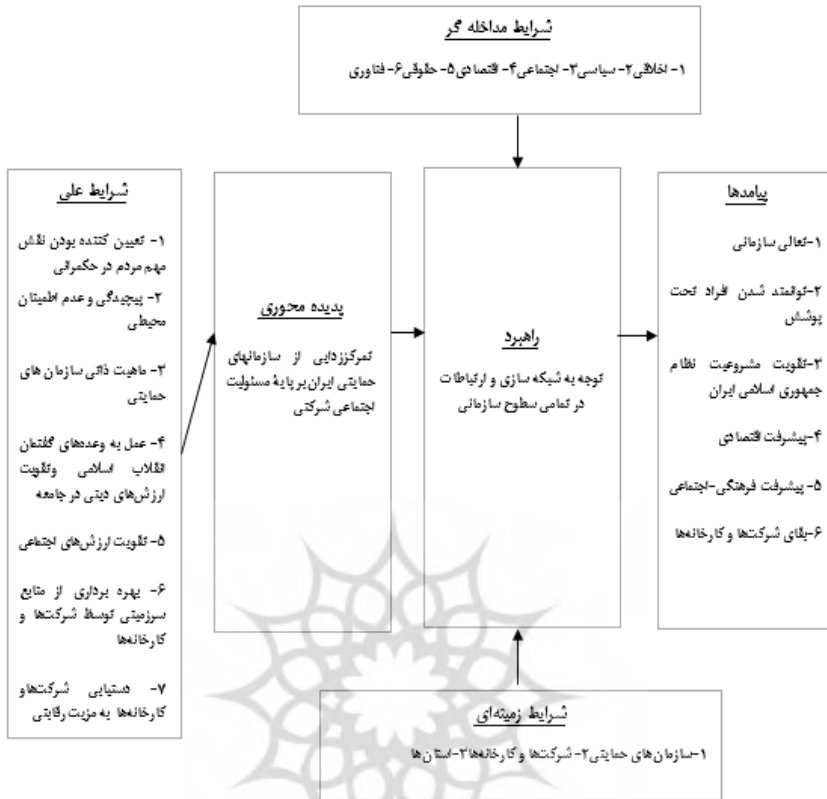
### شناسه‌گذاری انتخابی

شناسه‌گذاری انتخابی فرایند یک‌پارچه‌سازی مقوله‌ها است. در این مرحله، مقوله‌ها مورد اصلاح و بهسازی قرار می‌گیرد و بر اساس شکل ۱ روابط میان مقوله‌ها به صورت یک‌پارچه روایت می‌شود (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۹۰). در ادامه اجزای چارچوب پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی بررسی می‌شود.

پدیده محوری: پدیده محوری حادثه یا اتفاق اصلی است که سلسله اقدامات برای بررسی آن معطوف می‌شود. هدف اصلی این پژوهش تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی است؛ لذا به عنوان پدیده محوری در نظر گرفته شد.

شرایط علی: شرایط علی، دلیل پرداختن به پدیده محوری را توضیح می‌دهد. در این پژوهش هفت مقوله فرعی به عنوان شرایط علی شناسایی شد. این مقوله‌ها عبارت است از: تعیین‌کننده بودن نقش مهم مردم در حکمرانی، پیچیدگی و ناطمینانی محیطی، ماهیت ذاتی سازمان‌های حمایتی، عمل به وعده‌های گفتمان انقلاب اسلامی و تقویت ارزش‌های دینی در جامعه، تقویت ارزش‌های اجتماعی، بهره‌برداری از منابع سرزمینی توسط شرکت‌های فعال در استان‌ها و نیز دستیابی شرکت‌ها به مزیت رقابتی.





شکل ۱. شناسه‌گذاری محوری بر اساس الگوی پارادایم

راهبردها: راهبرد آینده برای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت شرکتی است. راهبرد بر آمده از این پژوهش، توجه به شبکه‌سازی و ارتباطات در تمام سطوح سازمانی است.

شرایط زمینه‌ای: شرایط زمینه‌ای عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تأثیرگذار بر تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت شرکتی است. در این پژوهش عوامل مؤثر در سطح سازمان‌های حمایتی، شرکتها، کارخانه‌ها و استان‌ها به‌عنوان عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر پدیده محوری شناسایی شد.

شرایط مداخله‌گر: شرایط کلی و وسیع‌تری است که قابل کنترل نیست و به‌صورت اقتضایی و غیرمنتظره بر پدیده محوری تأثیرگذار است. در این پژوهش عوامل اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و فناوری به‌عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شد.

پیامدها: پیامدها ممکن است واقعی یا ضمنی باشد و اینکه در حال یا در آینده رخ بدهد. در این پژوهش تعالی سازمانی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی - اجتماعی، توانمندشدن افراد تحت پوشش، تقویت مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران و بقای شرکت‌ها و کارخانه‌ها به‌عنوان پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت شرکتی شناخته شد. جدول شماره ۱ مفاهیم مرتبط با پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت شرکتی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت شرکتی

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
تعلق خاطر بیشتر جامعه به سازمان‌های حمایت اجتماعی، افزایش حامیان، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های سازمانی، بهبود عملکرد سازمانی، بهبود سامانه‌ها و فرایندهای داخلی	تعالی سازمانی	پیامدها
رونق بیشتر تولید، تبدیل جامعه نیازمند به جامعه توانمند، کاهش روند ایجاد فقر در جامعه، دریافت کمک‌های ثابت و پایدار، کاهش مشکلات اقتصادی عموم مردم	پیشرفت اقتصادی	
کاهش آسیب‌های اجتماعی، کاهش آسیب به نظام خانواده، پیشگیری از گسترش کارهای خلاف شرع، انسجام اجتماعی در جامعه، پیشرفت سمن‌ها، کاهش فاصله طبقاتی، ایجاد حس خوشبختی واقعی در جامعه، ارتقای سطح فرهنگ عمومی	پیشرفت فرهنگی - اجتماعی	
آشکارشدن استعدادهای افراد تحت پوشش، از بین رفتن نگاه ترحم‌آمیز به فقیران، گونه‌گونی در عرضه خدمات، پرداخت منظم مستمری به افراد تحت پوشش، احساس خودکفایی و کرامت نفس، گذراندن آموزش‌های کارافزینی جدید، هدفمندشدن کمک‌های خیران و شرکت‌ها	توانمندشدن افراد تحت پوشش	
برپایی حکمرانی علوی، تحقق اهداف کلان حاکمیتی سرمایه اجتماعی محور، برداشته شدن بار تأمین نیازهای مستمندان از دوش حاکمیت، کاهش نقش دولت در تأمین نیازهای مستمندان، مشارکت سیاسی مردم به دلیل انسجام اجتماعی، اجرای قانون اساسی، کاهش فاصله طبقاتی، کسب قدرت اجتماعی حاکمیت برای وضع قوانین، تأثیرگذاری بر فقر موروثی بلندمدت کشور	تقویت مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران	
افزایش صادرات محصولات کارخانه‌ها به دلیل ایجاد تصویر مناسب سازمانی، افزایش خرید مردم از محصولات شرکت‌ها و کارخانه‌ها، نهادینه شدن ارزش‌های محوری در کنار مأموریت‌های سازمانی، ترویج اهداف بشردوستانه در کنار سود سالانه، جلوگیری از مراجعه مستقیم نیازمندان به شرکت‌ها، نهادینه شدن فرهنگ مسئولیت اجتماعی شرکتی در استان‌ها، تبلیغ برای شرکت‌ها و کارخانه‌ها توسط افراد تحت پوشش، ایجاد روحیه انفاق و مشارکت اجتماعی در بین کارکنان شرکت‌ها و کارخانه‌ها	بقای شرکت‌ها و کارخانه‌ها	

در این پژوهش با استفاده از روش داده‌بنیاد به مفهوم‌پردازی و مقوله‌پردازی پدیده محوری «تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت شرکتی» پرداخته شد؛ سپس بر اساس فرایند شناسه‌گذاری محوری و الگوی پارادایمی، مقوله‌های آن به یکدیگر ارتباط داده شد. افزون بر آن، در این پژوهش پنج مقوله اصلی شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها مورد بررسی قرار گرفت.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی بود. این پژوهش به‌جای طراحی الگوی فرایندی، که تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی را به چند اقدام مختصر محدود می‌کرد، چارچوبی کلان به روش داده‌بنیاد و با نگاه کل‌نگر و جامع‌نگر ارائه کرد تا بتواند ضمن مشخص کردن مقوله تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی و برشمردن اجزای آن به‌صورت تفصیلی؛ عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای آن را نیز به‌صورت یک‌پارچه بررسی کند. در زمینه مقایسه یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های پیشین نیز باید گفت که الگو یا چارچوب مشابهی برای مقایسه عینی آن با چارچوب ارائه‌شده در این پژوهش وجود ندارد؛ اگر هم وجود داشته باشد از دسترس پژوهشگر خارج است؛ لذا نبود و کاستی نظریه در ادبیات پژوهش، پژوهشگر را به‌سمت به‌کارگیری روش داده‌بنیاد سوق داده است. با این حال می‌توان برخی اجزا و مقوله‌های چارچوب ارائه‌شده در این پژوهش را مورد بررسی قرار داد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

بررسی‌ها نشان داد که تعالی سازمانی یکی از پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی است. پس از مطرح‌شدن اصول مدیریتی نوین - تأکید بر کاهش هزینه‌ها، تمرکز بر کارایی و اثربخشی و تعهد به شفافیت و پاسخگویی عمومی - بسیاری از سازمان‌ها به‌سمت بکارگیری الگوهای تعالی سازمانی حرکت کردند تا بتوانند ضمن ارتقای کیفیت محصولات و خدمات، عملکرد خود را نیز بهبود بخشند. تعالی به‌معنای تکامل و دستیابی به کیفیت با بهترین نظم است و کیفیت در ادبیات مدیریت به‌عنوان تعالی و برآورده‌ساختن انتظارات مشتریان تعریف می‌شود (میرسپاسی و همکاران، ۱۳۹۱)؛ بنابراین ایجاد جو رقابتی شدید و کوشش پایان‌ناپذیر برای بهبود کیفیت خدمات و محصولات و برآورده‌کردن انتظارات و نیازهای

مشتریان سبب شد که سازمان‌ها در جستجوی روشی جامع و انعطاف‌پذیر برای ارزیابی عملکرد خود باشند. افزون بر این، پژوهشگران مدیریت معتقدند کیفیت بر پایه ارتباطات اثربخش درون-سازمانی و برون‌سازمانی شکل می‌گیرد؛ لذا بسیاری از سازمان‌ها به اهمیت تمرکززدایی با تأکید بر ارتباط بیشتر با سرمایه‌های اجتماعی خارجی همچون شرکت‌ها و کارخانه‌ها به‌عنوان مبنایی برای نوآوری و تطبیق‌پذیری و منبعی پایدار پی برده‌اند که مزیت رقابتی و تعالی سازمانی را به‌وجود می‌آورد، (حسن‌زاده ثمرین و مقیمی، ۱۳۸۹).

توانمندسازی افراد تحت پوشش یکی دیگر از پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی است. توانمندسازی، فرایند شناسایی نیازهای جوامع محروم و ارائه راه‌حل برای آن است. اسپریتزر<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) توانمندسازی را شامل برخی حالت‌های روانی مانند تأثیر، خودتعیینی، معنی‌داری، رشد حرفه‌ای، استقلال، تصمیم‌گیری، شایستگی، خودباوری و اعتماد می‌داند؛ بنابراین توانمندسازی، ایجاد انگیزه در افراد تحت پوشش سازمان‌های حمایتی برای اجرای وظایف خود است. نتایج پژوهش با تحقیقات (پرینچی و همکاران، ۱۳۹۴؛ نیکرو و همکاران، ۱۳۹۳) همسو است. پرینچی و همکاران (۱۳۹۳) معتقد هستند تأثیرگذاری مشارکت اجتماعی، بیشترین تأثیر را در میان مؤلفه‌های مؤثر بر توانمندسازی دارد. نیکرو و همکاران (۱۳۹۳) نیز در اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر خودکفایی و توانمندسازی مددجویان کمیته امداد بر اساس روش تحلیل سلسله‌مراتبی بیان کردند که حمایت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مؤثر در توانمندسازی و خودکفایی خانواده‌های تحت حمایت است؛ لذا توجه به مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌عنوان جزئی از مشارکت اجتماعی و حمایت اجتماعی، می‌تواند بر توانمندسازی افراد تحت پوشش مؤثر باشد.

یکی از مهم‌ترین راه‌های استقرار نظام‌های سیاسی در جهان، داشتن مشروعیت است و نظام جمهوری اسلامی ایران هم برای استقرار و استمرار خود به تقویت پیشران‌های مشروعیت‌ساز نیاز دارد. اصلانی و خواجه‌سروی (۱۴۰۱) معتقد هستند که در جمهوری اسلامی ایران زیربناهای مشروعیت که مربوط به ماهیت نظام جمهوری اسلامی است، استحکام خوبی دارد، اما روبناهای مشروعیت، که مقبولیت و کارآمدی است با وضعیت مطلوب فاصله دارد؛ لذا باید با ایجاد اعتماد، قانون‌پذیری و رعایت موازین متعارف حکومتی آن را تقویت کنیم؛ بنابراین تمرکززدایی از

سازمان‌های حمایتی بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌تواند نشان‌دهنده افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد بین آحاد جامعه و تقویت مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد با نهادینه شدن مسئولیت اجتماعی شرکتی و تأمین نیازهای افراد تحت پوشش سازمان‌های حمایتی در استان‌ها کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران هم بیشتر می‌شود. چراکه، کارآمدی از نظر لغوی به معنی مفیدبودن، خدمت کردن و درخور بودن است.

پیشرفت اقتصادی یکی دیگر از پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی است. پیشرفت در لغت به معنای گسترش دادن و از دید اندیشه‌ورزان علوم اقتصادی و اجتماعی، جریانی چند بعدی، به معنی ارتقای پیوسته تمام جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر است (مطیعی و زیاری، ۱۳۹۶). فوکویاما<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) معتقد است اندیشمندان بسیاری سرمایه اجتماعی را به عنوان عامل کلیدی در پیشرفت اقتصادی در نظر می‌گیرند. در پژوهشی دیگر علی‌مرادی (۱۳۹۸) مؤلفه‌هایی همچون پایداری درآمد، شراکت‌گرایی، چابکی اقتصادی و کارایی در عرضه خدمات را به عنوان پیامدهای خودگردانی محلی در استان‌های جمهوری اسلامی ایران معرفی کرد که این یافته‌ها با نتایج این پژوهش همسو است. مکیان و همکاران (۱۴۰۰) نیز معتقد هستند در کشورهای دارای سرمایه اجتماعی مطلوب شاخص حکمرانی خوب تأثیر مستقیم و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. از این رو، مسئولیت اجتماعی شرکتی، به عنوان یکی از مصداق‌های افزایش سرمایه‌های اجتماعی خارجی سازمان‌های حمایتی، می‌تواند بسیاری از معماهای چاره‌ناپذیر اجتماعی را از سر راه پیشرفت بر دارد و رشد شتابان اقتصادی و اجتماعی را امکان‌پذیر سازد. از این رو، رشد و پیشرفت اقتصادی یکی از پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی دیگر از پیامدهای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی پیشرفت فرهنگی - اجتماعی است. پیشرفت فرهنگی فرایندی است که با ایجاد تغییرات ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی، توانایی‌ها و باورهای شخصیتی ویژه‌ای را در انسان‌ها به وجود می‌آورد که دستاورد آن، رفتارها و کنش‌های مناسب پیشرفت است (عزتی و حقیقتیان، ۱۳۹۸). نتایج الگوسازی معادلات ساختاری نیز نشان داد که متغیرهای سرمایه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی و تعهد اجتماعی) در مجموع ۴۷ درصد از

واریانس پیشرفت فرهنگی را تبیین می‌کند. افزون بر این، هر چه سطح تعهد اجتماعی عمومیت بیشتری یافته باشد، فرد ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی موافق با پیشرفت را بیشتر از خود نشان می‌دهد؛ لذا هر چه رفتار مشارکت‌طلبانه شرکت‌ها و کارخانه‌ها در محیط جامعه نهادینه‌تر شود، این ویژگی به‌عنوان ارزش فرهنگی در درون جامعه شکوفاتر خواهد شد. در رابطه با توسعه اجتماعی نیز سازمان ملل از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی در پی صدور بیانیه‌ای، مؤلفه‌های مربوط به توسعه اجتماعی مانند سرمایه اجتماعی و همبستگی اجتماعی را در ادبیات توسعه گنجانده است. چندسال بعد نیز با تأکید دوباره این سازمان مفاهیم دیگری همچون بهزیستی اجتماعی و کیفیت زندگی در رأس اهداف توسعه قرار گرفت (کاظمی‌پور، ۱۳۹۸)؛ لذا توسعه اجتماعی به هسته اصلی نیازها و آمال مردم سراسر جهان، دولت‌ها و تمام بخش‌های جامعه مدنی تبدیل شد؛ بنابراین توسعه اجتماعی فرایندی از تغییرات است که نه تنها به بهزیستی و روابط اجتماعی منجر می‌شود، بلکه دستاوردهای مادی و غیر مادی را نیز به همراه دارد (کاظمی‌پور، ۱۳۹۸). این نتایج با پژوهش علی‌مرادی (۱۳۹۸) همسو است. او نشاط عمومی را یکی از پیامدهای خودگردانی محلی در استان‌های جمهوری اسلامی ایران معرفی کرد. از این‌رو، تمرکززدایی بر پایه مسئولیت شرکتی سبب افزایش کیفیت سامانه اجتماعی در استان‌ها و دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد انسجام اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی افراد تحت پوشش و ارتقای کیفیت زندگی مردم می‌شود.

آنچه در مورد حیات بنگاه‌های اقتصادی مانند شرکت‌ها و کارخانه‌ها مهم است، طول دوره حیات آنها است؛ بنابراین پایداری و بقای شرکت‌ها و کارخانه‌ها به‌عنوان چالش مثبت در اقتصاد تلقی می‌شود. شرکت‌ها همواره برای بقای خود با چالش روبه‌رو هستند. چرا که ورود موفق شرکت به بازار سرمایه با نبود اطمینان زیادی همراه است. قادری و همکاران (۱۳۹۸) معتقد هستند پایداری حسابداری به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر بقای شرکت‌ها و کارخانه‌ها، بر مفاهیم مسئولیت اجتماعی، اخلاق حسابداری و ذی‌نفعان تأکید دارد. به عقیده آنها شرکت‌ها برای اینکه در طولانی‌مدت یا کوتاه‌مدت بقا داشته باشند، باید دارای ویژگی‌های پایداری حسابداری مانند گزارشگری مسئولیت اجتماعی باشند. افزون بر آن، براساس نتایج پژوهش آنها بقای شرکت‌ها تحت تأثیر ذی‌نفعان برجسته است؛ لذا مدیران شرکت‌ها و کارخانه‌ها باید به ایفای نقش مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی خود توجه بیشتری نشان دهند، تا روابط قابل اعتمادتری را با سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان ایجاد کنند. از این‌رو، تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی

شرکتی سبب بقای شرکت‌ها و کارخانه‌ها، دستیابی به موقعیت پابرجاتر و استمرار فعالیت آنان در افق بلندمدت‌تری می‌شود.

راهبرد این پژوهش برای تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی توجه به شبکه‌سازی و ارتباطات است. چرا که سازمان‌ها دیگر نمی‌توانند به‌تنهایی پیش بروند و به‌شدت به شبکه‌سازی و ارتباطات داخلی و خارجی برای بقا و کسب مزیت رقابتی نیازمند هستند (هیلبراند و بیمنز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). افزون بر این، پژوهشگران معتقدند شبکه‌سازی و ایجاد و حفظ ارتباط با دیگران، ضمن ایجاد اعتماد، می‌تواند به پیشرفت سرمایه اجتماعی سازمان‌ها کمک کند (مک‌کالن و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). این نتایج با بررسی ضعف‌های برنامه ششم پیشرفت سازمان حمایتی کمیته امداد همسو است. چرا که دفتر مطالعات و پژوهش کمیته امداد امام خمینی<sup>(ره)</sup> معتقد است ضعف در اجرای حکم ۷۱ برنامه ششم پیشرفت کمیته امداد مبنی بر ارائه حداقل ۳۰ خدمت با رویکرد ارتباطات چندسویه مشهود است (دفتر مطالعات و پژوهش کمیته امداد، ۱۴۰۰). افزون بر آن، این نتایج با نتایج جماعتی‌تیمین و همکاران (۱۴۰۰) در آسیب‌شناسی فعالیت‌های اطلاع‌رسانی، تبلیغات و روابط عمومی کمیته امداد امام خمینی<sup>(ره)</sup> استان اردبیل همسو است. آنها عواملی همچون ارتباطات ضعیف، ضعف تعامل برون‌سازمانی و نظام ارتباطی ضعیف را به‌عنوان شرایط مداخله‌گر محیطی برشمردند. از این‌رو سازمان‌های حمایتی می‌توانند با شبکه‌سازی شرکتی در بین شرکت‌ها و کارخانه‌ها، ایجاد شبکه ارتباطی خدمت در فضای مجازی، استفاده از ظرفیت مجامع خیریه (خیران، مساجد، امام‌زاده‌ها، معتمدان محلی) و ساماندهی ارتباط چندجانبه مؤسسات خیریه، شرکت‌ها و سازمان‌های حمایتی؛ ارتباط بین افراد و گروه‌های داخلی و خارجی خود را برای انجام تمرکززدایی مالی، سیاسی و اداری افزایش داده و با تعامل سازنده و مطلوب بین آنها عملکرد سازمانی خود را افزایش دهند. نتیجه این اقدام رویارویی با آشفتگی‌های فزاینده محیطی و افزایش کارایی و اثربخشی سازمان‌های حمایتی در دستیابی به مأموریت‌های سازمانی است.

در جمع‌بندی پژوهش می‌توان گفت: از آنجا که طراحی الگوی فرایندی، که تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران را محدود به چند اقدام مختصر در قالب چند گام مشخص می‌کند، از

- 
1. Hillebrand & Biemans
  2. McCallum

توان پاسخگویی مناسب در محیط آشفته امروزی سازمان‌های حمایتی برخوردار نیست و توانایی جذب منابع مورد نیاز این سازمان‌ها را برای عرضه خدمات به افراد تحت پوشش ندارد؛ لذا استفاده از نظریه داده‌بنیاد می‌تواند ضمن پیوند نظریه و عمل، با نگاه کل‌نگر و جامع به تبیین دقیق‌تر مقوله تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران بر پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی پردازد؛ بنابراین الگوی پارادایمی این پژوهش می‌تواند ضمن ترسیم وضعیت مطلوب سازمان‌های حمایتی پس از تمرکززدایی، درک عمیق‌تری را نسبت به اهمیت تنظیم‌گری روابط بین ذی‌نفعان سازمان‌های حمایتی ایران، بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای حکمرانی متعالی در ایجاد مسئولیت-پذیری اجتماعی ایجاد کند. افزون بر این، نتایج نشان داد که راهبرد شبکه‌سازی و ارتباطات به دلیل افزایش سرمایه اجتماعی خارجی نقش مهمی در تمرکززدایی از سازمان‌های حمایتی ایران و کارآمدتر شدن حکمرانی استانی دارد؛ بنابراین می‌تواند در کاهش چالش‌های اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی استان‌ها مؤثر باشد. از این رو، تمرکززدایی با استفاده از راهبرد شبکه‌سازی و ارتباطات و با تأکید بر مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌تواند به‌عنوان شیوه جدید تنظیم‌گری، روابط دولت، جامعه و بخش خصوصی را متحول کند.



## فهرست منابع

- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و روش‌ها، ترجمه بیوک محمدی، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اصلانی، بهنیا و خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۴۰۱). کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران و بحران مشروعیت. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۱): ۳۷۲ - ۳۵۴.
- اطاعت، جواد و موسوی، سیده زهرا (۱۳۸۹). تمرکززدایی و توسعه پایدار در ایران، پژوهشهای جغرافیای انسانی، ۴۲(۱): ۱۰۶ - ۸۹.
- پرپنچی، سید ابوالفضل (۱۳۹۴). تبیین نقش سرمایه اجتماعی در توانمندسازی مددجویان تحت پوشش کمیته امداد؛ مطالعه موردی مددجویان تحت پوشش کمیته امداد شهرستان بهارستان، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی. <https://civilica.com/doc/436432>
- حسن‌زاده ثمرین، تورج و مقیمی، سید محمد (۱۳۸۹). اثر سرمایه اجتماعی بر تعالی سازمانی. مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۳.
- دانایی‌فرد، حسن؛ بوستانی، حمیدرضا؛ شاکری، ساناز و ذکی، مهدی (۱۳۹۹). مضمون‌کاوی مسئولیت اجتماعی سازمان از دیدگاه آیات و روایات: دلالت‌هایی برای دانشگاه‌های جامعه اسلامی. فصلنامه علمی مطالعات منابع انسانی، ۱۰(۴): ۱۴۵ - ۱۱۸.
- دانایی‌فرد، حسن و اسلامی، آذر (۱۳۹۰). ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمانی: کاربرد استراتژی پژوهی داده‌بنیاد در عمل. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- دفتر مطالعات و پژوهش کمیته امداد امام خمینی<sup>(ه)</sup> (۱۴۰۰). گزارش اینفوگرافیک ۶۲ طرح پژوهشی، تهران: مرکز برنامه‌ریزی و پژوهش، دفتر دفتر مطالعات و پژوهش، دفتر مرکزی کمیته امداد امام خمینی<sup>(ه)</sup>.
- رازقی، نادر و لطفی خاچکی، بهنام (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ با تأکید بر رابطه آنها با دولت، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۵(۱۱): ۱۲۸ - ۹۷.
- زارعی، یعقوب (۱۳۹۵). سنجش برخی شاخص‌های توسعه اجتماعی در مناطق روستایی (مورد مطالعه: استان هرمزگان). برنامه‌ریزی رفاه و پیشرفت اجتماعی، ۸(۲۸): ۲۳۵ - ۱۹۹.
- ذوالفقاری، محمدحسین (۱۴۰۰). ارائه مدل خدمات فقرزدایی بدون وابستگی در کمیته امداد امام خمینی<sup>(ه)</sup>، تهران: مرکز برنامه‌ریزی و پژوهش، دفتر دفتر مطالعات و پژوهش، دفتر مرکزی کمیته امداد امام خمینی<sup>(ه)</sup>.

- سامتی، مرتضی؛ فرهنگ، شکوفه و موسوی، مریم (۱۳۹۳). تحلیل اثرات تمرکززدایی مالی بر ارتباط متقابل رشد و توزیع عادلانه‌ی منابع مالی در استان‌های ایران (۱۳۸۰ - ۱۳۸۶). پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۴ (۳): ۲۲ - ۱.
- صنوبر، ناصر و حیدریان، بهنام (۱۳۹۱). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در ایران، **جامعه‌شناسی اقتصادی و پیشرفت**، ۱(۱): ۸۹ - ۷۱.
- عزتی، یونس؛ حقیقتیان، منصور و مؤذنی، احمد (۱۳۹۸). مطالعه جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه فرهنگی، **فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی**، ۱۴ (۳۸): ۳۷ - ۶۴.
- علی‌مرادی، ظهیر (۱۳۹۸). بررسی پیامدهای خودگردانی محلی استان‌های جمهوری اسلامی ایران. **دولت-پژوهی**، ۵(۱۷): ۵۷ - ۹۵.
- قادری، فرزاد؛ پاک‌مرام، عسگر؛ قالیباف اصل، حسن و بحری ثالث، جمال (۱۳۹۸). ارائه مدلی برای بقای شرکت‌ها در بازار سرمایه ایران: برآزش مدل «پوتانگ»، راهبرد مدیریت مالی، ۷(۴): ۱۵۱ - ۱۷۱.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۹۸). جایگاه برنامه‌ریزی در پیشرفت اجتماعی ایران، همایش الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، دوره ۸، ۲۲/۰۳/۱۳۹۸ - ۲۳/۰۳/۱۳۹۸ (۲۲ صفحه - از ۲۷۵ تا ۲۹۶).
- مطیعی، صدیقه و زیاری، رضا (۱۳۹۶). پیشرفت اقتصادی، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تجارت و پیشرفت اقتصادی. بازیابی در: <https://civilica.com/doc/686600>
- مکیان، سید نظام‌الدین؛ کربلایی بادی، فریبا و بهرامی، فرشته (۱۴۰۰). سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی مطالعه مقایسه‌ای بین کشورهای با سرمایه اجتماعی بالا و کشورهای با سرمایه اجتماعی پایین، **سیاست‌های راهبردی و کلان**، ۹(۳۳): ۲۰۹ - ۱۸۴.
- میرسپاسی، ناصر؛ معمارزاده، غلامرضا و عالم تبریز، اکبر (۱۳۹۱). شناسایی معیارهای تعالی سازمانی در بخش دولتی، **فصلنامه مدیریت پیشرفت و تحول**، ۱(۱۱): ۶ - ۱.
- نیکرو، فردین و قاسیمه، رحیم (۱۳۹۳). اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر خودکفایی و توانمندسازی مددجویان کمیته امداد بر اساس روش تحلیل سلسله مراتبی **AHP**، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت چالشها و راهکارها، شیراز. بازیابی در: <https://civilica.com/doc/378684>

Anas, M. A. (2018). Social ppppppppptr : A nnnnnnnnrr ii gggg ddd ll ocr ooii ll Organizations. KnE Social Sciences.

Baranova, V., Kulinich, T., Dutchak, O., Zvonar, V., & Denyshchenko, L. (2021). Development of corporate social responsibility in business as a factor of fiscal decentralization. *Journal of Eastern European and Central Asian Research (JEECAR)*, 8(3), 411-424.

Buchta, K., Jakubiak, M., Skiert, M., & Wilczewski, A. (2018). University social responsibility—theory vs. practice. *Prace Naukowe Uniwersytetu Ekonomicznego we Wrocławiu*, (520), 22-33

Du, S., Bhattacharya, C. B., & Sen, S. (2011). Corporate social responsibility and competitive advantage: Overcoming the trust barrier. *Management Science*, 57(9), 1528-1545.

Fukuyama, F. (1999). Social capital and civil society. Conference Agenda conference@imf.org.

<https://www.imf.org/external/pubs/ft/seminar/1999/reforms/fukuyama.htm>

Gyves, S., & O'Higgins, E. (2008). Corporate social responsibility: an avenue for sustainable benefit for society and the firm?. *Society and business review*.

Hillebrand, B., & Biemans, W. G. (2003). The relationship between internal and external cooperation: literature review and propositions. *Journal of Business Research*, 56(9), 735-743.

Isufaj, M. (2014). Decentralization and the Increased autonomy in Local Governments. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 109, 459-463.

Liao, C., Zhu, Y., & Liao, X. (2015). The role of internal and external social capital in crowdfunding: Evidence from China. *Revista de cercetare si interventie socială*, 49, 187-204.

McCallum, S. Y., Forret, M. L., & Wolff, H. G. (2014). Internal and external networking behavior: An investigation of relationships with affective, continuance, and normative commitment. *Career Development International*.

Ritchie, J. & Lewis, J. (2003). *Qualitative research practice: a guide for social science student and researcher*. London: SAGE publication

Schmid, H. (2002). Relationships between organizational properties and organizational effectiveness in three types of nonprofit human service organizations. *Public Personnel Management*, 31(3), 377-395.

Spreitzer, G.M. (1995). Psychological Empowerment in the Workplace: Dimensions, Measurement, and Validation", *Academy of Management Journal*, Vol. 38 No. 5, pp: 1442-65.

## Consequences of decentralization of Iranian support organizations based on social responsibility of corporate

By:

Reza Farrokshahi Nia<sup>1</sup>

### Abstract

Corporate social responsibility represents the commitment of managers of companies, factories and businesses to voluntary actions that bring public benefit. The purpose of this research was to investigate the consequences of decentralization of Iran's support organizations on the basis of corporate-provincial social responsibility. In terms of practical purpose, in terms of qualitative nature, and in terms of implementation, the current research is based on the systematic approach of Strauss and Corbin. The statistical sample of the research included a group of managers and employees of support organizations, university professors and researchers, as well as managers and employees of companies, factories and businesses, who were selected as a purposeful/judgmental sampling. The results of examining the first-hand data in three different but interconnected phases through open coding, central coding and selective coding showed that the six categories of organizational excellence, empowering the people covered, strengthening the legitimacy of the Islamic Republic of Iran system, economic progress, progress Socio-cultural and the survival of companies and factories are part of the consequences of decentralization of Iran's support organizations on the basis of corporate-provincial social responsibility. Therefore, the knowledge of the calculated consequences can create a deeper understanding of the importance of regulating the relations between the stakeholders of Iran's support organizations based on the values and norms of exalted governance in creating social responsibility, while drawing the favorable situation of support organizations after decentralization.

**Keywords:** decentralization, regulation, provincial governance, Iranian support organizations, corporate social responsibility.

---

1. Assistant Professor of Strategic Management, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran. [rfarokshahi@pnu.ac.ir](mailto:rfarokshahi@pnu.ac.ir)